اسکناس

روزنامه اقتصادی صبح ایران

پنج‌شنبه ۱۵ آبان ۱۳۹۹ • شماره ۸۵۷ • سال چهارم • دور جدید • شماره ۴۸۹ • ۸ صفحه • ۳۰۰۰ تومان

Thu • 5 November • 2020 • 8page

موافقت رهبر انقلاب با عفو یا تخفیف مجازات جمعی از محکومان

به مناسبت فرارسیدن میلاد با سعادت حضرت ختمی مرتبت محمد مصطفی(صلی‌الله‌علیه‌وآله) و ولادت حضرت امام جعفر صادق(علیه‌السلام)، رهبر معظم انقلاب اسلامی با پیشنهاد عفو و تخفیف مجازات سه هزار و هفتصد و هشتاد تن از محکومانِ محاکم عمومی و انقلاب، سازمان قضایی نیروهای مسلح و...

صفحه ۲

تیتر های مهم

پیش بینی سقوط در آمد نفتی اوپک

۵

نتیجه انتخابات آمریکا برای ما مهم نیست

گروه سیاسی: رئیس جمهور تاکید کرد که برای ایران شیوه‌ای که آمریکا در پیش می گیرد مهم است نه فردی که بر سر کار می‌آید. به گزارش اسکناس، حجت‌الاسلام‌والمسلمین حسن روحانی روز گذشته(چهارشنبه ۱۴ آبان) در جلسه هیات دولت با اشاره به انتخابات اخیر آمریکا اظهار کرد: انتخابات آمریکا عبرت‌آموز است. البته برای ما مهم نیست چه کسی در آمریکا انتخاب می‌شود ولی شیوه‌ای که آمریکا در پیش می گیرد مهم است.وی افزود: برای ما این مهم است که آمریکا به قانون، معاهدات بین‌المللی و...

۲

کنترل تورم در گرو اصلاح نظام بانکی

۳

فضای مجازی مقصر گرانی روغن حلبی!

۶

ناکامی آمریکا در حذف ایران از مسیرهای ترانزیتی

۵

بررسی‌های «اسکناس» نشان می‌دهد

خودتحریمی مانع رونق تولید

گروه صنعت و تجارت: در شرایطی که تقریبا طی ماه های گذشته بیشتر فعالیت های تجاری و صنعتی با نگاه به انتخابات آمریکا و سرنوشت آن پیگیری شده است این نکته مهم دوباره پدیدار شده که اساسا اقتصاد ایران به دلیل مشکلات داخلی نتوانسته کارکرد صحیحی داشته باشد و اصولا عامل بیرونی چندان تعیین کننده نیست. به گزارش «اسکناس»، کارشناسان اقتصادی معتقدند برای رونق تولید و تقویت صادرات غیرنفتی، لازم است خودتحریمی برداشته شود و در کنار آن با بهبود وضعیت کسب و کارهای داخلی، وضعیت کلی کشور و مسیر غلط فعلی را اصلاح کرد. رئیس کمیسیون معدن و صنایع معدنی اتاق بازرگانی با بیان این که تأثیر خودتحریمی‌ها بر...

صفحه ۶

ترامپ: دموکرات‌ها رای‌های من را دزدیدند!

ادعای تقلب در انتخابات آمریکا

براساس نتایج اولیه جوبایدن راهی کاخ سفید خواهد شد

صفحه ۲

سرمقاله

واکاوی دلایل ریزش بازار سرمایه

■ علیرضا امینی
استاددانشگاه

چندی پیش در یکی از رسانه‌های شبکه مجازی مطرح شد که به دنبال حباب ایجاد شده در بورس، حباب بورس ترکید و بازار بورس سقوط کرد و پیش بینی شد که مجدداً سقوط خواهد کرد. در این نوشتار تلاش می‌شود این دیدگاه و پیش‌بینی مذکور مورد نقد و ارزیابی قرار گیرد تا اطلاعات شفاف و علمی و به دور از مسائل سیاسی در اختیار خوانندگان قرار گیرد. بازار بورس از ابتدای سال جاری تا ۱۹ مرداد با یک رشد بی سابقه ۳۰۵ درصدی مواجه شد که منبع اصلی این رشد ورود نقدینگی جدید به بازار بورس بود. افزون بر این، عدم عرضه سهام عدالت و کند بودن فرایند عرضه اولی ها به همراه نقش مخرب ...

■ ادامه در همین صفحه

دیدگاه

ضعف دولت در توزیع یارانه ها

■ مجتبی رضاخواه
عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس

بنده معتقدم که دولت فعلی در توزیع یارانه‌ها بسیار بد عمل می کند. در سال اولی که یارانه ۴۵ هزار تومانی به مردم پرداخت می‌شد، قیمت دلار حدود ۱,۰۰۰ تومان و یارانه ۴۵ دلار بود اما با قیمت ارز ۳۰ هزار تومانی، ۴۵ دلار حدود یک میلیون و ۳۵۰ هزار تومان می‌شود و این عدد با ۴۵ هزار تومان قابل مقایسه نیست. با وجود این، می‌بینیم که به دلیل سیاست‌گذاری‌های اشتباه و عدم نظارت درست بر بازار، دولت سیاست‌هایی را اعمال کرده که عملاً به ثروتمندان یارانه داده است. دولت ارز ۴۲۰۰ تومانی را به افرادی پرداخت کرده که یا با این ارز هیچ کالایی را وارد کشور نکردند یا کالاهای غیرضروری مانند اسباب‌بازی و غذای سگ وارد کردند، فارغ از این، برخی از...

■ ادامه در همین صفحه

واکاوی دلایل ریزش بازار سرمایه

■ ادامه از همین صفحه

...بازیگران در بالا بردن بیش از ارزش واقعی سهام برخی از شرکتهای کوچک به این افزایش سریع دامن زد. البته بخشی از این افزایش قیمت به افزایش سود شرکتها در اثر افزایش ارزش نرخ ارز و افزایش تولید نیز ارتباط دارد. اگر سازمان بورس نظارت بیشتری بر اعمال بازیگران می داشت و با آنها برخوردی جدی می کرد و بر سرعت عرضه اولی ها می‌افزود و وزارت امور اقتصاد و دارایی با سرعت بیشتری نسبت به عرضه سهام عدالت اقدام می کرد، افزایش سریع شاخص طی مدت بیشتری طول می کشید و از سرعت افزایش آن کاسته می‌شد. افزون بر موارد ذکر شده، صدور بسیار زیاد کدهای جدید و دسترسی تازه واردان غیر حرفه‌ای به معاملات آنلاین که فاقد دانش تخصصی درباره بورس و نحوه ارزیابی قیمت سهام شرکتها بودند، باعث سرعت گرفتن روند افزایش قیمت سهام شرکتها و افزایش بیش از حد قیمت سهام شرکتها شد. سهامداران تازه وارد و غیر حرفه‌ای به سادگی فریب صف‌های خرید ساختگی بازیگران را می‌خوردند و پشت صف خرید قرار می گرفتند و باعث افزایش بیش از حد قیمتها می‌شدند و مانع از اصلاح به موقع قیمتها می‌شدند. افزون بر این، سهامداران مذکور چون دانش تخصصی نداشتند، بلافاصله پس از کاهش قیمت سهام مذکور و مواجه شدن با ضرر اقدام به فروش می کردند و مجدداً پشت صف خرید سهام دیگر قرار می‌گرفتند و با رفتار هیجانی و احساسی خود روند طبیعی بازار را دچار انحراف می کردند. اکنون سوال اصلی که مطرح می شود آن است که آیا بازار سهام دچار حباب شده بود و دلیل کاهش آن ترکیدن حباب بود یا خیر؟ بازار سهام برخلاف بازارهای طلا و ارز از پیچیدگی زیادی برخوردار است، زیرا اطلاعات در این بازار شفاف نیست و عوامل بنیادی شرکتها (مانند سودآوری، ارزش دارایی‌ها و طرح‌های توسعه و زمان بهره‌برداری آنها) متفاوت است. بنابراین به سادگی نمی‌توان در مورد کل بازار نظر داد که دارای حباب است یا خیر؛ ولی در مورد یک یا چند شرکت معین می‌توان به سوال مذکور پاسخ داد. بخشی از رشد بسیار زیاد شاخص کل قیمت سهام تا ۱۹ مرداد تحت تاثیر افزایش فشار تقاضا به واسطه ورود نقدینگی جدید و بخشی دیگر بر اثر تجدید ارزیابی دارایی‌های شرکتهای بورسی بوده است که پس از سالیان متمادی اقدام به به‌روز کردن ارزش دارایی‌های خود کردند. باید اذعان کرد که هنوز مشخص نیست تجدید ارزیابی دارایی‌های شرکتها چقدر در افزایش شاخص قیمت سهام نقش داشته است. افزایش ارزش دلار نیز در افزایش ارزش دارایی‌های شرکتها و همچنین افزایش فروش و سود شرکتها نقش داشته است که تاکنون هیچ نهادی نقش این عوامل را در افزایش شاخص قیمت سهام اندازه گیری نکرده است؛ بنابراین بخشی از افزایش ۳۰۵ درصدی شاخص کل قیمت سهام مربوط به عوامل مذکور است که ربطی به حبابی بودن یا نبودن بازار سهام ندارد. موضوع بسیار مهم دیگر آن است که رفتار قیمت‌های سهام در بورس نوسانی و دوره‌ای است؛ یعنی در یک دوره افزایش قیمت سهام داریم و در دوره بعد با کاهش قیمت سهام مواجه هستیم. اگر به روند بلندمدت شاخص کل قیمت سهام توجه کنیم، متوجه دوره های اصلاح قیمت (کاهش قیمت) می شویم. به عنوان مثال، در سال ۱۳۹۷ بعد از افزایش ۹۶ درصدی شاخص کل بورس تا انتهای مهر ماه، شاخص کل بورس شروع به اصلاح کرد و تا ابتدای دیماه آن سال ۱۸.۴ درصد کاهش یافت و پس از آن تا پایان سال مذکور ۱۵۶ درصد افزایش یافت؛ یعنی حدود ۹۴ درصد کاهش قیمت جبران شد و در مجموع، در کل سال ۱۳۹۷ حدود ۸۵.۳ درصد افزایش یافت. اگر توجه شود در قبال افزایش ۹۶ درصدی طی هفت ماهه اول ۱۳۹۷، اصلاح قیمت ۱۸.۴ درصدی تا ابتدای دیماه همان سال رخ داده است، در حالی که در سال جاری در قبال افزایش ۳۰۵ درصدی، کاهش ۳۹ درصدی تا ۱۲ آبان ۱۳۹۹ اتفاق افتاده است که اصلاح زیادی نیست. بر این اساس، استفاده از واژه ریزش بازار یا سقوط چندان درست نیست و بهتر است از واژه اصلاح قیمت استفاده شود که یک واژه جا افتاده در ادبیات بازار مالی است. نکته دیگر آن که بعد از دوره اصلاح قیمت در سال ۱۳۹۷ شاهد حاکم شدن روند افزایش قیمتها در بازار سهام بودیم و بر این مبنا انتظار می‌رود در سال جاری نیز شاخص کل سهام مجدداً وارد دوره افزایشی شود. گفتنی است، شرایط سال جاری با سال ۱۳۹۷ شباهت دارد و انتظار می‌رود در اثر افزایش ارزش دلار در چند ماه اخیر، شاخص قیمت سهام مجدداً وارد مرحله صعودی شود و تا آخر سال بخش عمده کاهش خود را جبران کند. صرف نظر از مقایسه وضعیت سال جاری با سال ۱۳۹۷، عوامل بنیادی شرکت‌ها در شش ماهه اول سال جاری بهبود چشمگیری داشته‌اند و شرکتهای بنیادی مانند فولاد مبارکه اصفهان و ملی مس با افزایش‌های خیره کننده در ارزش فروش و سود نسبت به دوره مشابه سال قبل مواجه بوده اند و افزون بر آن، با توجه به ارزش دارایی‌های آنها، ارزش سهام آنها به مراتب کمتر از ارزش واقعی آنها است و پس از فروکش کردن موج ترس و عدم اعتماد به بازار، شاهد افزایش قیمت شرکتهای بنیادی در بورس خواهیم بود. بنابراین، شواهد آماری و اقتصادی حاکی از آن است که به زودی بازار سهام وارد مرحله رونق خواهد شد و به سهامداران غیر حرفه‌ای و تازه وارد پیشنهاد می شود از فروش سهام شرکتهای بنیادی اجتناب کنند تا بتوانند تا پایان سال بخش عمده ضرر خود را جبران کنند یا سود لازم را ببرند. به طور کلی، سرمایه‌گذاری در بازار بورس، یک سرمایه‌گذاری بلندمدت است و اگر برای افق زمانی حداقل دو ساله در شرکتهای بنیادی سرمایه‌گذاری شود، بازدهی آن از سایر دارایی‌ها بیشتر و از نرخ تورم نیز به مراتب بیشتر خواهد بود. درس دیگری که از کاهش اخیر قیمتها در بورس می‌توان گرفت آن است که سهامداران غیر حرفه ای مستقیماً اقدام به خرید و فروش سهام نکنند و بیشتر واحدهای صندوق‌های سرمایه‌گذاری کارگزاری‌ها را خریداری کنند که متخصصان رشته مالی آنها را مدیریت و اداره می کنند. مطلب دیگر مربوط به مزایای هدایت نقدینگی به بازار سهام است که اثرات تورمی آن کمتر از بازارهای دارایی دیگر است و به افزایش تولید و اشتغال در شرکتهای بورسی کمک می کند. افزون بر این، رونق بازار بورس به فرایند خصوصی‌سازی از طریق فروش سهام دولتی به مردم کمک می کند که در رشد اقتصادی کشور موثر است. با توجه به موارد مذکور، هدایت مجدد نقدینگی به سمت بازار بورس از کانال‌های مذکور در ایجاد رشد اقتصادی و کاهش نرخ بیکاری حائز اهمیت است. بنابراین نمی توان ادعا کرد که هدایت نقدینگی به بازار بورس تاثیری بر بخش حقیقی اقتصاد ندارد. گفتنی است، در شرایط فعلی که نرخ تورم بالا است و با تحریم‌های خارجی و افزون بر آن، شرایط خاص شیوع بیماری کرونا مواجه هستیم، فضا برای هدایت نقدینگی به سمت سرمایه‌گذاری در طرح های جدید مهیا نیست و بخش خصوصی انگیزه‌ای برای آن ندارد و به جای آن می توان از طریق هدایت نقدینگی به بازار بورس، به طرح‌های سرمایه‌گذاری شرکت‌های بورسی کمک کرد تا بتوان تاثیر لازم را بر بخش حقیقی اقتصاد داشت. منتها برای تاثیرگذاری بیشتر هدایت نقدینگی به بازار سهام بر اقتصاد، لازم است سازمان بورس برای ایجاد بازدهی منطقی و ایجاد اطمینان و برگشت اعتماد به بازار و نظارت موثر بر رفتار بازیگران، برنامه مدون و قابل اجرا داشته باشد و از آن مهمتر با چابکی زیاد و در زمان کوتاه آن را اجرایی کند. مطلب پایانی آن که نتایج انتخابات ریاست جمهوری آمریکا تاثیری بر تحلیل فوق و پیش بینی انجام شده در میان مدت و بلندمدت ندارد و تنها در کوتاه مدت می تواند تاثیراتی داشته باشد. با توجه به اینکه بازار سهام در دوره قبل از برجام (۱۳۹۰-۱۳۹۳) و دوره اجرای آن (۱۳۹۴-۱۳۹۶) و همچنین دوره خروج آمریکا از برجام عملکردی بهتر از سایر بازارهای دارایی داشته است، لذا نتایج انتخابات آمریکا تاثیرات میان مدت و بلندمدت ندارد و این موضوع شاید به واسطه آن باشد که سیاست‌های کلی آمریکا در قبال ایران در دولت‌های مختلف آمریکا یکسان است و فقط شیوه برخورد یا روش رسیدن به هدف متفاوت است.

المیادین گزارش داد

هراس رژیم‌های عربی از شکست ترامپ

گروه سیاسی: در آستانه اعلام نتایج انتخابات آمریکا نفس کشورهای عربی که بهای سنگینی برای پیروزی دونالد ترامپ پرداخته‌اند به شماره افتاده است. به نقل از المیادین، اغراق نیست اگر بگوییم در حال حاضر سه کشور عربی حوزه خلیج فارس یعنی عربستان سعودی و امارات و بحرین در حالی که منتظر نتایج انتخابات ریاست جمهوری آمریکا هستند نفسهای خود را در سینه حبس کرده‌اند؛ آنها منتظرند تا ببینند ماه عسلشان با ابقای «دونالد ترامپ» در کاخ سفید ادامه خواهد یافت یا روابط آنها در آمریکا به حالت رکود آن در دوره باراک اوباما باز خواهد گشت. ساعات باقی مانده به اعلام نتایج انتخابات ریاست جمهوری آمریکا برای کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس سرنوشت‌ساز بوده و می تواند مسیر آنها را در سطح سیاسی و استراتژیک برای ۴ سال آینده رقم بزند. علت آن است که رژیم های عربی برای پیروزی ترامپ در این انتخابات بهای سنگینی به نام عادی سازی روابط با اشغالگران قدس پرداختند. در حال حاضر بیشترین ترس آنها این است که در صورت شکست ترامپ آمریکا به توافق هسته‌ای با ایران باز گردد. ایران، نفوذ و قدرت آن بیشترین نگرانی رژیم های عربی حوزه خلیج فارس است و برقراری مجدد توافق هسته‌ای به معنای باز شدن دست تهران از نظر اقتصادی و سیاسی است و این موضوع با سیاست کشورهای عربی حوزه خلیج فارس که در تلاش برای مقابله با نفوذ ایران در منطقه هستند مغایرت دارد. اما درباره عربستان روشن است که پس از نتایج انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، توجه بسیاری از کشورها و رسانه‌ها به سمت روابط

میان رژیم اشغالگر صهیونیستی و عربستان سعودی جلب خواهد شد. «الی کوهن» وزیر اطلاعات رژیم صهیونیستی روز دوشنبه درباره انتخابات ریاست جمهوری آمریکا و تاثیر آن بر پیوستن کشورها به توافق عادی سازی روابط با تل آویو صحبت و تلویحا درباره پیروزی «دونالد ترامپ» رئیس جمهور آمریکا ابراز امیدواری کرد. الی کوهن که عضو حزب لیکود و در کنار «بنیامین نتانیاهو» نخست وزیر رژیم صهیونیستی است، اعلام کرد که پیروزی ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، به سوق دادن تعداد بیشتری از کشورها از جمله عربستان به سمت توافق با رژیم صهیونیستی کمک خواهد کرد. بدون تردید، کسانی که امور رژیم صهیونیستی را دنبال می کنند معتقدند دلیل اظهارات وزیر رژیم صهیونیستی درباره توافق عادی سازی عربستان با رژیم صهیونیستی در راستای برآورده کردن آرزوی دفن شده دو طرف نیست؛ بلکه بیشتر براساس واقعیت‌هایی است که چندین سال پیش در محدوده روابط عربستان و رژیم اشغالگر انجام شده است. مجله «مرکز میراث اطلاعاتی» اسرائیلی در مقاله‌ای که ژوئن گذشته منتشر شد ادعا کرد که سال‌های آینده تغییر اساسی در سیستم سیاسی منطقه خاورمیانه رخ خواهد داد! در این مقاله آمده که این تغییرات شامل نشانه‌هایی در مورد توانایی عملی برای اجرای پروژه‌های همکاری منطقه‌ای میان اسرائیل و برخی از کشورهای عربی خلیج فارس است. این گزارش نشان می دهد که اولین پیش‌بینی تغییر در سیستم سیاسی خاورمیانه در سال ۲۰۱۵ و به دنبال تبادل قدرت در عربستان سعودی و آغاز ولیعهدی «محمد بن سلمان» در عربستان و پس از انتخاب ترامپ به عنوان رئیس جمهور ایالات متحده در پایان سال ۲۰۱۶، عمیق تر شد. همچنین سال ۲۰۱۵ نمایندگی دیپلماتیک رژیم اسرائیل در امارات متحده عربی تحت پوشش آژانس بین‌المللی انرژی‌های تجدیدپذیر (ایرینا) افتتاح شد. طبق مطالعه دیگری که اخیراً توسط «انستیتوی تحقیقات امنیت داخلی» رژیم اسرائیل در ۲۷ اکتبر انجام شده است، عربستان سعودی در حمایت از توافق‌نامه‌های سازش با رژیم صهیونیستی موضع بسیار متفاوتی نسبت به گذشته داشته است. موقعیت عربستان در خاورمیانه به دلیل جایگاه اسلامی که داعیه آن را دارد با رژیم صهیونیستی به ویژه در سطح استراتژیک تفاوت اساسی دارد؛ چراکه رژیم اسرائیل دشمن مهیب و خطرناک جامعه اسلامی و مسئول رنج میلیون‌ها فلسطینی و یک گیاه سمی در خاورمیانه قلمداد می‌شود. عربستان سعودی در حال آماده سازی برای ایجاد روابط دیپلماتیک با رژیم اسرائیل است که طبق همه معیارها نوعی «عادی سازی خزنده» تلقی می‌شود و این امر در سیاست خارجی این کشور نیز نمایان است. علاوه بر آن مذاکراتی میان مقامات سعودی و صهیونیست صورت گرفته که به‌وضوح نشان دهنده تمایل ریاض به عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی است.

ضعف دولت در توزیع یارانه ها

■ ادامه از همین صفحه

...این افراد کالاهای مورد نیاز کشور را وارد کردند اما پس از آنکه آن کالا از گمرک خارج شده، هیچ نظارتی نداشتیم که آن کالا به چه قیمتی فروخته شده است. این در حالی است که این کالاها با ارز ۴۲۰۰ تومانی وارد شده‌اند و قاعدتاً باید متناسب با همان قیمت به دست مردم می‌رسید اما می‌بینیم که این کالاها به قیمت بازار آزاد به مردم فروخته می‌شود و مفهومش آن است که با این سیاست‌ها، عملاً دولت در این چند سال به ثروتمندان یارانه داده است و علی‌رغم آنکه دولت ادعا می کند که در پرداخت یارانه به مردم دچار مشکل است، اما در پرداخت یارانه به ثروتمندان هیچ مشکلی ندارد. برای مثال، تفاوت قیمت خودرو در کارخانه و بازار بسیار زیاد است و برخی گزارش‌ها حاکی از آن است که ۱۰۰ هزار میلیارد تومان رانت ناشی از این شکاف قیمت به وجود آمده است و عملاً به جیب دلالان می‌رود. همچنین در بازار فولاد، شما می‌بینید که برخی افراد اجناس و تولیدات فولادی را از کارخانه یا بورس خریداری می کنند، سپس با ۵۰ درصد افزایش قیمت می‌فروشند که همه این موارد، نمونه‌هایی از اعطای یارانه‌های بی‌دلیل به برخی از افراد است. اگر دولت مبالغی را که در دست دلالان است، ساماندهی کند قطعاً بسیاری از مشکلات حل می‌شود چرا که مبالغ زیادی وجود دارد که دلالان از آن منتفع می‌شوند و اگر دولت این مبالغ را ساماندهی نکند و به این مسئله ورود نداشته باشد، احتمال آنکه مجلس به آن ورود کند، بسیار زیاد است. در واقع می‌توان از طریق ساماندهی پول‌هایی که به جیب دلالان می‌رود، خدمات عمومی مردم را ارتقا داد. برای مثال، از محل ۱۰۰ هزار میلیارد تومانی که در بازار خودرو رانت ایجاد کرده است، می‌توان برای توسعه حمل و نقل عمومی هزینه کرد و این کار کاملاً شدنی است اما باید اراده‌ای در دولت وجود داشته باشد. اگر این اراده در دولت وجود داشته باشد، حتماً می‌تواند از این مبالغ بسیار زیاد استفاده کند و حتی می‌تواند یارانه نقدی را نیز متناسب با قیمت ارز بالا ببرد، اما بنده در دولت چنین اراده‌ای نمی‌بینم.